Archive of SID

راهکارهای تربیتی فقرزدایی در نهج‌البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۲
از صفحه ۸۱ تا صفحه ۱۰۰

مینا شمخی
استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز،
نویسنده مسئول
m_shamkhi@yahoo.com

امان‌اله ناصری کریموند
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شهید چمران اهواز
amannaseri@gmail.com

فاطمه مرادی کهنکی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شهید چمران اهواز
fm.rahi@yahoo.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دیرینه‌ی بشر، تأمین رفاه افراد جامعه و رفع فقر بوده است؛ اما به عللی مانند اختناق و ستمگری‌های بی‌رحمانه‌ی ثروت‌اندوزان حاکم و بی‌عدالتی و جاه‌طلبی آنان، هرگز محقق نمی‌شد. با ظهور اسلام، این دغدغه جدی‌تر شد. آیات و روایات بسیاری نیز مؤیِّد این ادعاست. پژوهش حاضر که با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام‌شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، برای مقابله با فقر، چه گروه‌هایی را خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی، چه راهکارهای تربیتی برای برون‌رفت از فقر ارائه کرده‌اند؟
نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بیانات و اقدامات امام علی(ع) در این زمینه، غالباً ناظر بر روشی تربیتی و پویشی عمومی است که درصدد تربیتِ آحاد افراد جامعه و نهادینه کردن فرهنگِ نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیریِ اجتماعی برای مقابله با فقر است که با تلاش اقشار ضعیف، مسئولیت‌پذیری و همیاری ثروتمندان و عدالت حاکمان، در قالب معیارهای اخلاقی، انسان‌مداری و آخرت‌گرایی امکان‌پذیر خواهد بود. اگرچه گروه‌هایِ مورد خطاب امام(ع) در اجرای این امر، تمام نوع بشر است؛ اما ایشان به‌طور اخص، «فقرا»، «قشر متمکن جامعه» و «مدیران حکومتی» را مخاطب قرار داده و برای هرکدام وظایف خاصی را مشخص کرده‌اند.

واژگان کلیدی:
راهکارهای فقرزدایی، توصیه به فقرا، وظایف اغنیاء، مسئولان حکومتی.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

مسئله‌ی فقر و نابرابری اقتصادی، پیشینه‌ای به درازای عمر بشر دارد که موجب ناهنجاری‌های متعدّدی در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود و زمینه‌ساز انحرافات و مشکلاتی است که به جرائم بسیار بزرگی ختم می‌گردد. در متون دینی نیز، بیانات بسیاری در زمینه‌ی خطرات و تبعات فقر مطرح‌شده است؛ ازجمله پیامبر(ص) در حدیث «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْراً»، فقر را عامل اصلی کفر و نابودی ایمان معرفی می‌کنند (کافی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۰۷). نهج‌البلاغه یکی از منابعی که به‌طور خاص، به مقابله با فقر پرداخته است؛ زیرا هنگامی‌که امام علی(ع) به حکومت رسیده بود، اوضاع جامعه بر اثر دور شدن از تعالیم پیامبر(ص) دگرگون‌شده و فاصله‌ی طبقاتی به وجود آمده به عللی چون گرایش به دنیا، مال‌اندوزی، بخل و پرداخت نکردن حقوق الهی، کفران نعمت، نداشتن تقوا و... موجب نابسامانی اجتماعی شده بود و اقشار فرودست را آزار می‌داد (رک: خطبه‌ی ۱۲۹ و ۱۳۴). امام(ع) عثمان و خویشاوندانش را مسئول این نابسامانی می‌داند (خطبه‌ی ۳،۱۰ و ۱۱)؛ زیرا آنان مال‌اندوزی پیشه کرده بودند (رک: طبری،۱۳۵۷، ج ۴، ص ۳۳۸؛ مسعودی،۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۳۲ و بلاذری،۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۰۲). بر همین اساس، یکی از دغدغه‌های اساسی امام علی(ع) در دوران حکومت کوتاه خویش، رفع فقر و نابرابری در جامعه بود که با استفاده از راهکارهای مختلفی، دست‌کم در کوفه توانست امکانات اساسی را برای عموم مردم تأمین کند (رک: یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳؛ جهانیان، بی‌تا، ص ۵)؛ بنابراین، با توجه به مشکلات معیشتی حاد، فقر و بی‌عدالتی شدیدی که امروزه دامن‌گیر جوامع شده است، برای ساماندهی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها می‌توان از راهکارهای تربیتی نهج‌البلاغه یاری جست. البته لازمه‌ی این کار، نهادینه کردن سیستم اقتصادیِ امام(ع) در نظام تربیتی و فرهنگی جوامع است (رک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۳۱)؛ زیرا یکی از رموز موفقیت جوامع پیشرفته، نظام تربیتی کارآمد آن کشورهاست (رک: پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). همان‌طور که امام(ع) در نهج‌البلاغه نیز، با رویکردی تربیتی و تبلیغی به فقرزدایی می‌پردازد و با توصیه‌های اخلاقی و تربیتی، زمامداران را به ساده‌زیستی و هم‌سویی با فقرا فرامی‌خواند تا موجب آرامش طبقه‌ی فقیر جامعه شود (خطبه‌ی ۲۰۹) و در بیاناتی هشدارگونه به‌منظور تربیت اقتصادیِ مردم، فقر را بسیار منفور و منحوس جلوه داده و درصدد از بین بردن آن بوده است (رک: جرداق، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲)؛ همچنین آن را مرگ بزرگ توصیف کرده[1] (رک: حکمت ۱۶۳)؛ زیرا سختی مرگ یک‌بار است؛ اما فقر همواره در شئون زندگی فقرا جلوه‌گر است (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۶۶). به همین سبب، انسان تهی‌دست را حتی در شهر خویش، بیگانه دانسته (حکمت ۵۶) و از او خواسته است از فقر، تنها به خدا پناه ببرد؛ زیرا فقر، دین را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است[2] (رک: حکمت ۳۱۹). امام(ع) دعا می‌کنند: خدایا! آبرویم را با بی‌نیازی

۱- به علت محدودیت حجم مقاله، از ذکر متن عربی کلام امام(ع) خودداری و به نقل مطالب از ترجمه‌ی محمد دشتی اکتفا می‌شود.

۲- که این دو کلام امام(ع) بر این نکته دلالت دارد که یکی از مهم‌ترین آثار شوم فقر، تضعیف شخصیت فقراست، به‌طوری که در جامعه تحقیر می‌شوند تاجایی که قدرت دفاع از خود را از دست می‌دهند و منزوی می‌شوند (رک: فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص ۲؛ فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۳۸).

www.SID.ir

Archive of SID

حفظ کن؛ زیرا فقر آبروی انسان را از بین می‌برد (رک: خطبه‌ی ۲۲۵ و بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۳)؛ بنابراین، ازآنجاکه بیانات امام(ع) محدود به زمان خاصی نیست و برای تربیت تمام جوامع در همه‌ی زمان‌ها بیان‌شده، ضرورت دارد این موضوع با دقت و جامع‌نگری بیش‌تری بررسی شود تا سیستم تربیتِ اقتصادی نهج‌البلاغه در مقابله با فقر، کشف و به‌عنوان یک الگوی صحیح و برتر اقتصادی استفاده گردد.

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که امام علی(ع) در نهج‌البلاغه برای مقابله با فقر، چه گروه‌هایی را خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی، چه راهکارهایی برای برون‌رفت از فقر ارائه کرده‌اند؟

پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش‌های مختلفی در زمینه‌ی فقر و مباحث مرتبط با آن در نهج‌البلاغه انجام‌شده است؛ اما آنچه با این پژوهش ارتباط بیش‌تری دارد؛ عبارتند از: مقاله‌ی «سیره‌ی اقتصادی امام علی(ع)» اثر احمدعلی یوسفی (۱۳۸۹) که در مجله‌ی مطالعات تفسیری چاپ‌شده است. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج‌البلاغه» اثر لیلا حسینی‌نیا با راهنمایی دکتر مجید معارف (۱۳۹۰) که در دانشکده‌ی علوم حدیث دفاع شده است. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «روش‌شناسی محرومیت‌زدایی در سیره‌ی اقتصادی امام علی(ع)» اثر سمانه محمدی با راهنمایی مصطفی دلشاد تهرانی و سیدرضا حسینی (۱۳۹۲) که در دانشگاه قرآن و حدیث قم دفاع شده است. مقاله‌ی «علل و آثار فقر از دیدگاه امام علی(ع)» اثر سید علیاء محمدی که در مجله‌ی کیهان فرهنگی سال ۱۳۹۲ منتشرشده است. مقاله‌ی «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه» نوشته‌ی محمد مولایی (۱۳۹۲) که در مجله‌ی پژوهشنامه‌ی نهج‌البلاغه چاپ‌شده است. مقاله‌ی «سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی» نوشته‌ی محمدرضا آرام و کاووس سیدامامی (۱۳۹۵) که در مجله‌ی دانش سیاسی انتشاریافته است. مقاله‌ی «بررسی حد فقر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه امام علی(ع)» نوشته‌ی مونا امانی‌پور و دیگران (۱۳۹۶) که در فصلنامه‌ی پژوهش‌های نهج‌البلاغه چاپ‌شده است. البته مقاله‌ی حاضر، بیشتر به بعد تربیتی راهکارهای فقرزدایی نظر دارد و درواقع، سیستم تربیتی-اقتصادی حاکم بر نهج‌البلاغه را بررسی می‌کند و در موضوع، روش و اهداف با آثار یادشده متفاوت است.

مفهوم‌شناسی فقر

در متون دینی، «فقر» معانی متعدّدی دارد و در این پژوهش، به معنای نداری و در مقابلِ ثروت به کار می‌رود (رک: حکیمی،۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۷۸-۲۸۸)؛ معانی دیگر فقر، از قبیل فقر فرهنگی، فقر نفسی، فقر معنوی و...که در متون دینی کاربرد دارند (رک: حسینی،۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۶-۷۰؛ فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص ۲۵-۲۲)، مدنظر نیست.

فقر یکی از شوم‌ترین مصائبی است که علاوه بر مختل کردن زندگی فردی فقرا، اجتماع

www.SID.ir

Archive of SID

بشری را با معضلات جدی مواجه ساخته است؛ زیرا آثار آن منحصر به زندگی گروه خاصی نیست، بلکه عواقب آن با مسائلی همچون هنجارشکنی، سرقت، قتل و غارت، وقوع جرم و ناامنی و...در جامعه پدیدار می‌شود (رک: اسفندیاری، ۱۳۸۲، ص ۸۲) و موجب انواع دیگر فسادها می‌شود که به نسل‌های دیگر انتقال پیدا می‌کند و به عامل مؤثری در برابر توسعه‌ی فرهنگی و اقتصادی تبدیل می‌شود (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶). با توجه به اهمیت خاص این موضوع، ایجاب می‌کند که با استمساک به نهج‌البلاغه، روش‌های فقرزدایی از جامعه کشف و بیان شود.

مقابله با فقر در نهج‌البلاغه

از دیدگاه امام‌علی(ع) همه‌ی افراد، حقّ برخورداری از زندگی و مواهب دنیوی را دارند. ازاین‌رو، فقر را نوعی بلا (رک: حکمت ۳۸۸) و مقابله با آن را ضروری می‌داند (جرداق، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲). درواقع، بروز فقر در جامعه حاکی از آن است که فقرا زمینه‌ی تلاش و شکوفایی کافی برای کسب درآمد ندارند و افراد مرفّه و سرمایه‌دار به نیازمندان بی‌توجه هستند و یا اینکه حکومت نمی‌تواند به‌درستی جامعه را مدیریت کند و ثروت را عادلانه تقسیم نماید و از بروز فقر و شکاف طبقاتی جلوگیری کند (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳؛ جهانیان، بی‌تا، ص ۵)؛ بنابراین، بیانات امام(ع) در مقابله با فقر در قالب همین سه محور: خطاب به «فقرا»، «ثروتمندان» و «مسئولان حکومتی» قابل‌بررسی است:

۱- بیانات نهج‌البلاغه خطاب به فقرا

در نهج‌البلاغه مطلبی پیدا نمی‌شود که امام(ع) مستقیماً فقرا را خطاب قرار داده و از مشکلات فقرشان سخنی ایراد کرده باشد؛ بلکه به هر علتی (شاید حفظ حرمت فقرا) در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها با بیاناتی غیرمستقیم که بیش‌تر ناظر بر تربیت فقرا در شرایط سخت است، درصدد سامان بخشیدن به زندگی آنان و مبارزه با فقر بوده‌اند. راهکارهای فقرزدایی امام(ع) خطاب به فقرا شامل مباحث ذیل می‌شود:

۱-۱. توکّل به خداوند و اعتقاد به رزاقیّت او

همان‌طور که در آیات متعدّدی ازجمله: «**...وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُون**» (آل‌عمران، ۱۲۲) و «**...وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِين**» (مائده، ۲۳)، به توکّل بر خداوند تصریح و تأکید شده است، امام علی(ع) نیز توکّل به خداوند را یک راهکار معرّفی کرده و فرموده است: «هرکس به خدا توکّل نماید، خدا او را کفایت می‌کند» (خطبه‌ی ۹۰ و رک: خطبه‌ی ۸۳). کافی (کفایت‌کننده)، یکی از صفات خداوند است و به اعتبار آنکه به هرکدام از مخلوقاتش آنچه از منفعت و دفع ضرر عطا می‌کند که استحقاق آن را داشته باشند، او را کفایت‌کننده می‌گویند (بحرانی،۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۰۰). امام(ع) خداوند را روزی‌رسان حقیقی می‌داند. روایت است از امام(ع) پرسیدند: «اگر درِ خانه‌ی مردی را به رویش ببندند، روزی او از کجا خواهد آمد؟» فرمود: «از همان‌جایی که مرگ او می‌آید» (حکمت ۳۵۶). امام(ع) نقش این راهکار را در زندگی انسان مؤمن بسیار مهم قلمداد کرده است

www.SID.ir

Archive of SID

و در خطبـه‌ای، خداونـد را برطرف‌کننـده‌ی نیازهـای توکّل‌کننـدگان معرّفـی می‌کنـد (رک: خطبـه‌ی ۲۱۸). البتـه معنـای تـوکّل، گوشـه‌گیری و انفعـال نیسـت، بلکـه تـوکّل بایـد همـراه بـا تـلاش باشـد (قرائتـی،۱۳۸۳، ج ۹، ص ۵۸۱). تـوکّل حقیقـی بـه خداونـد سرچشـمه‌ی قـدرت روحـی و معنـوی انسـان اسـت و اگـر در آحـاد افـراد جامعـه نهادینـه شـود، می‌توانـد آثـار ارزشـمندی در دو حـوزه‌ی فـردی و اجتماعـی داشـته باشـد (پرهیـزکار، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

پـس می‌تـوان گفـت در نظـام تربیتـی نهج‌البلاغـه، تـوکّل بـر خـدا و اعتقـاد داشـتن بـه روزی‌رسـانی او، نقـش تربیتـی مهمـی در زندگـی انسـان، به‌ویـژه فقـرا دارد و راهـکاری اسـت کـه سـبب می‌شـود انسـان در شرایـط نامناسـب مالـی، ارزش و کرامـت خـود را حفـظ کنـد و بـا تکیـه و اعتـماد بـه خداونـد از غیـر او بی‌نیـاز شـود.

۱-۲. تأکید بر تلاش و تولید

اگرچـه خداونـد «تـوکّل» را عاملـی مؤثـر در سرنوشـت انسـان قـرار داده اسـت و بـر کار و تـلاش نیـز تأکیـد ویـژه‌ای دارد و در آیـه‌ی «وَ أَنْ لَیْـسَ لِلْإِنْسـانِ إِلَّا مـا سَـعی» (نجـم، ۳۹)، به‌صراحـت بیـان داشـته اسـت کـه بـرای انسـان چیـزی نیسـت، جـز آنچـه بـا سـعی بـه دسـت آورده (طبرسـی، ۱۴۱۲، ج۴، ص ۲۰۲). پـس بهتریـن راهـکارِ نجـات از فقـر را می‌تـوان کار و تـلاش قلمـداد کـرد؛ زیـرا کار عـلاوه بـر اینکـه نیـاز مالـی انسـان را بـرآورده می‌کنـد، عاملـی تربیتـی بـرای شـکوفایی و کـمال انسـان نیـز به‌شـمار مـی‌رود (رک: دلشـاد تهرانـی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴)؛ بـه همیـن علـت، اسـلام بـرای تولیـد اهمیـت خاصـی قائـل اسـت (رک: سـبحانی، ۱۳۹۰، ص ۶۰) و اسـاس اقتصـاد خـود را کار می‌دانـد (صـدر، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۱۵۵)؛ زیـرا تنهـا راه دسـتیابی بـه امکانـات و مواهـب دنیـوی، سـعی و تـلاش خـود انسـان اسـت (رک: حائـری، ۱۳۷۸، ص ۳۲) و تـوکّلِ بـدون تـلاش مـردود اسـت و بدعتـی مخالـفِ قـرآن به‌شـمار مـی‌رود (رک: شـمخی،۱۳۹۸، ص ۱۱۰)؛ پـس تـوکّل بـدون تـلاش و کوشـش بی‌وقفـه، منجـر بـه تنبلـی می‌شـود و تنبلـی نیـز سـبب ایجـاد فقـر می‌گـردد (رک: حرانـی، بی‌تـا، ص ۴۴).

ازآنجاکـه هـدف کلـی تربیـت اسـلامی، سـاخت انسـان سـالم، کامـل و کارآمـد اسـت. بـه ایـن منظـور، کار، تـلاش و تولیـد بـرای تأمیـن معـاش از عوامـل مهـم در حفـظ سـلامت جسـمانی و روانـی انسـان و ضامـن پیشـگیری از بیماری‌هـای جسـمی، روحـی و اخلاقـی خواهـد بـود و از طرفـی، راهـکاری تربیتـی محسـوب می‌شـود کـه بسـیاری از صفـات نیـک را در انسـان پـرورش می‌دهـد. ازایـن‌رو، امـام(ع) کار، تولیـد و تأمیـن هزینه‌هـای زندگـی را یکـی از اصلی‌تریـن برنامه‌هـای روزانـه‌ی زندگـی می‌دانـد و می‌فرمایـد: مؤمـن بایـد شـبانه‌روز خـود را بـه سـه قسـمت تقسـیم کنـد... کـه یکـی از ایـن سـه، کسـب حـلال بـرای تأمیـن معـاش اسـت (رک: حکمـت ۳۹۰)؛ زیـرا چیـزی ارزشـمندتر از عمـر نیسـت و بایـد انسـان آن را طوری تنظیـم کنـد کـه بتوانـد از راه مـشروع، مایحتـاج خـود را فراهـم نمایـد.

در فرهنـگ اسـلامی، کار بـرای تأمیـن معـاش یـک ارزش تلقـی می‌شـود (رک: میرمعـزی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۳) و تـلاشِ دیـن بـرای تربیـت افـراد تلاشـگر و کارآفریـن اسـت (رک: موسـی زاده و صنعتـی، ۱۳۹۶، ص ۷۹). امـام(ع) بـرای مقابلـه بـا فقـر، کار و تولیـد را عامـل اصلـی رسـیدن بـه هـدف معرّفـی کـرده و بـرای تشـویق

www.SID.ir

Archive of SID

مسلمانان به کار و تلاش، پیامبران را مثال زده است تا الگویی برای مردم باشند (رک: خطبه‌ی ۱۶۰). همان‌طور که خودِ امام بسیار اهل کار و تولید بودند (یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳)، مردم را از تنبلی، تن‌پروری و بیکاری بر حذر می‌داشت و می‌فرمود: هر کس آب و زمین داشته باشد و بااین‌حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور می‌کند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵۲۶)؛ زیرا معتقد بود فرد و جامعه‌ای که نتواند با کار و تلاش، حیات اقتصادی و اجتماعی خود را سامان دهد، سرانجام پذیرای فقر خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۵۳). دعوت به کار برای این است که انسان علاوه بر اینکه بر فقر و نیاز مالی چیره شود، به امکانات مادی برسد و شخصیت خویش را نیز در برابر دیگران حفظ کند.

امام(ع) در وصیت اقتصادی به امام حسن(ع)، نسبت به اموال خویش، بر حفظ اصل مال و استفاده از درآمد آن تأکید دارد (رک: نامه ۲۴). این کلام امام(ع) که به حفظ سرمایه و استفاده از سودِ ناشی از آن و ایجاد ثروت اشاره دارد، یک راهکار تربیتی برای رشد، توسعه و رونق اقتصادی در زندگی فقرا محسوب می‌شود.

۱-۳. توصیه به شراکت اقتصادی با افراد متمکّن

شراکت با سرمایه‌داران یکی دیگر از راهکارهای مقابله با فقر است؛ زیرا لازمه‌ی زندگی اجتماعی، شراکت، تعاون و همکاری افراد با یکدیگر است (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۴۷). امام(ع) در گفتار حکیمانه‌ای به یکی از راه‌های کسبِ ثروت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «با کسی که روزی به او روی آورده، شراکت کنید که او توانگری را سزاوارتر و روی آمدن روزگار خوش را شایسته‌تر است» (حکمت ۲۳۰). در شرح این خطبه چنین آمده است: امام علی(ع) در این حکمت، به یک اصل بزرگ اقتصادیِ پیشرفته توجه دارد و آن تأسیس شرکت‌ها و همکاری با یکدیگر است. از طریق این همکاری و تعاون، سودی حاصل می‌شود که از کار کردن یک نفر به‌تنهایی به دست نمی‌آید (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸، ج ۲۱، ص ۲۹۹)؛ زیرا بسیاری از احتیاجات انسان‌ها از راه کار گروهی و جمعی، بهتر حاصل می‌شود (محمودی، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

همچنین برخی نوشته‌اند: «اساس پیشرفت، بر تلاش، کار، مدیریت، نظم و تدبیر است و ممکن است منظور امام(ع) در کلام فوق، اشاره به عوامل موفقیت و بهره گرفتن از مدیریت و لیاقت‌های آنها باشد. برهمین‌اساس می‌فرماید: با کسانی که در زندگی اقتصادی خود موفقیت بیشتری به دست آورده‌اند، شراکت کنید و از عوامل موفقیت آنها بهره ببرید» (رک: مکارم شیرازی،۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۷۵۸).

با توجه به موارد یادشده، از کلام امام علی(ع) چنین استنباط می‌شود که ایشان به دنبال تربیت جامعه‌ای است که افراد فقیر و غنی در آن با همکاری و تلاش متقابل، فرهنگِ شراکت و تعاون را نهادینه کنند و موجب ایجاد ثروت شوند؛ زیرا شراکت اقتصادی با دیگران آثار مثبتی دارد که اولین اثر آن، ایجاد اشتغال و بهره بردن از توانایی و تخصّص دیگران است که اقدامی اساسی برای برون‌رفت از وضعیت فقر خواهد بود.

www.SID.ir

Archive of SID

۱-۴. پرداخت صدقه

امـام علـی(ع) در بیـان تربیتـی دیگـری، صدقـه را یکـی از راه‌هـای معنـوی مبـارزه بـا فقـر معرّفـی می‌کنـد و می‌فرمایـد: «هـرگاه تهی‌دسـت شـدید، بـا صدقـه دادن، بـا خـدا تجـارت کنیـد» (حکمـت ۲۵۸ و رک: حکمـت ۱۳۷). برخـی در شرح ایـن کلام نوشـته‌اند: صدقـه در هنـگام نیازمنـدی، اثـر معنـوی مهمـی در زدودن فقـر دارد. همان‌گونـه کـه انسـان، فقیـری را کمـک می‌کنـد، عنایـت الهـی نیـز بـه یـاری او برمی‌خیـزد: «**مَـنْ ذَا الَّـذی یُقْـرِضُ اللَّـهَ قَرْضـاً حَسَـناً فَیُضاعِفَـهُ لَـهُ وَ لَـهُ أَجْـرٌ کَریـم**» (حدیـد، ۱۱). میـان انفـاق در راه خـدا بـه هنـگام نیازمنـد بـودن و برخـورداری از نعمـت پـروردگار، ظاهـراً رابطـه‌ی آشـکاری وجـود نـدارد؛ ولـی ایـن یکـی از الطـاف خفیـه‌ی الهـی اسـت و قابل‌انـکار نیسـت. هنگامی‌کـه شـخص ایثارگـر آنچـه را کـه خـود بـه آن نیـاز دارد، بـه دیگـری می‌بخشـد، روح پاکـی پیـدا می‌کنـد کـه سرچشـمه‌ی اسـتجابت دعاسـت و دعاهـای او بـرای گشـایش روزی، بـه اجابـت نزدیـک می‌شـود (رک: مـکارم شـیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۴۴). در روایـات دیگـری نیـز، بـه رابطـه‌ی صدقـات بـا فزونـی نعمـت و دفـع فقـر اشاره‌شـده اسـت. همچنان‌کـه پیامبر(ص) فرمودنـد: «بـه نیازمنـدان زیـاد صدقـه دهیـد تـا روزی شـما وسـیع شـود» (مجلسـی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۷۸)؛ بنابرایـن، صدقـه و انفـاق مـال حتـی در شرایـط فقـر نیـز منجـر بـه گشـایش رزق و روزی می‌شـود (رک: بحرانـی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴).

پـس صدقـه دادن در هنـگام تنگ‌دسـتی راهـکاری تربیتـی اسـت کـه موجـب پیدایـش امیـد بـه افزایش نعمـت و گشـایش روزی می‌شـود و همیـن امیـدواری، تـوان و تحمـل انسـان را در برابـر فقـر تقویـت می‌کنـد و باعـث تأمیـن آرامـش روحـی در افـراد می‌شـود.

۱-۵. توصیه به قناعت

قناعـت یکـی از صفاتـی اسـت کـه تضمین‌کننـده‌ی آرامـش و سـازگاری در زندگـی اجتماعـی اسـت و نبـود آن، آرامـش را از زندگـی می‌ربایـد (حسـین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). قناعـت کـردن یکـی از بهتریـن راهکارهـای تربیتـی مقابلـه بـا فقـر اسـت. قناعـت حالتـی اسـت کـه انسـان را وادار می‌کنـد بـا حداقـل ضروریـات زندگـی بسـازد و بـه دنبـال زرق‌وبـرق دنیـا نباشـد. داشـتن ایـن روحیـه، به‌منزلـه‌ی ثـروت پایان‌ناپذیـری اسـت کـه انسـان را از تمـام ثروت‌هـای دنیـا بی‌نیـاز می‌سـازد و موجـب می‌شـود انسـان همـواره بـا عـزت زندگـی کنـد و نیازمنـد دیگـران نباشـد (رک: مـکارم شـیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۵۷). اهمیـت قناعـت در زندگـی بـه حـدّی اسـت کـه امـام سـجاد(ع) در پاسـخ بـه فـردی کـه از ایشـان جویـای برتریـن اعمال‌شـده بـود، فرمودنـد: برتریـن عمـل ایـن اسـت کـه انسـان بـه آنچـه در دسـت او اسـت، قانـع باشـد (نـوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۳۲).

امام‌علـی(ع) تأکیـد ویـژه‌ای بـر قناعـت‌ورزی بـرای جلوگیـری از فقـر دارد و در بیـان ارزش قناعـت می‌فرمایـد: «قناعـت مـالی اسـت کـه پایـان نمی‌پذیـرد» (حکمـت ۵۷؛ ۳۴۹ و ۴۷۵). از امـام(ع) پرسـیدند تفسـیر آیـه‌ی «**فَلَنُحْیِیَنَّـهُ حَیـاةً طَیِّبَـةً**» (نحـل، ۹۷) چیسـت؟ فرمـود: «آن، زندگـی بـا قناعـت اسـت» (حکمـت ۲۲۹). ایشـان میانـه‌روی را مانـع تهی‌دسـتی می‌دانـد (رک: حکمـت ۱۴۰)؛ زیـرا هنگامـی بـرای فـرد یـا جامعـه، مشـکل مالـی پیـدا می‌شـود کـه برنامـه و حسـاب دقیقـی بـرای هزینه‌هـا و نیازهـای خـود

www.SID.ir

Archive of SID

در نظـر نگیرنـد (رک: مـکارم شـیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۴۹).

همچنیـن امـام(ع) قناعـت را راهـکاری می‌دانـد کـه در شرایـط نامناسـب اقتصـادی می‌توانـد از وخامـت وضعیـت مالـی جلوگیـری کنـد و می‌فرمایـد: «هیـچ گنجـی، بی‌نیازکننده‌تـر از قناعـت و هیـچ مـالی در فقرزدایـی، از بین‌برنده‌تـر از رضایـت دادن بـه روزی نیسـت و کـسی کـه به‌انـدازه‌ی کفایـت زندگـی، از دنیـا بـردارد بـه آسـایش دسـت یابـد» (حکمـت ۳۷۱)؛ چـون انسـان قانـع نسـبت بـه آنچـه روزی اوسـت، راضـی شـده و درنتیجـه، از غـم دنیاخواهـی آسـوده می‌شـود (بحرانـی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۲۰).

در حقیقـت، قناعـت در هنـگام تنگ‌دسـتی، نشـان‌دهنده‌ی کرامـت و عزت‌نفـس اسـت و انسـان بـا آراسـتگی بـه آن، آبـروی خـود را حفـظ می‌کنـد. پـس اگـر فرهنـگ قناعـت در جامعـه رواج پیـدا کنـد، حـرص و طمـع کاهـش پیداکـرده و مشـکلات اقتصـادی بـه حداقـل می‌رسـند (رک: حسـین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) و ایـن یکـی از بهتریـن جلوه‌هـای تربیـت اقتصـادی اسـت.

۱-۶. الگوگیری از ساده‌زیستان

بـا وجـود اینکـه در امـر تربیـت، عوامـل مختلفـی تأثیرگـذار هسـتند امـا تأثیـر الگوهـای انسـانی بسـیار حائـز اهمیـت اسـت. در ایـن میـان، انبیـاء و ائمـه(ع) بهتریـن الگوهایـی هسـتند کـه تمسـک بـه روش زندگـی آنـان، تضمین‌کننـده‌ی سـعادت انسـان اسـت. امـام(ع) بـا تشریـح و توصیـف زندگـی برخـی از پیامـبران، آنـان را به‌عنـوان بهتریـن الگـو بـرای ساده‌زیسـتی معرّفـی کـرده اسـت: «بـرای تـو کافی اسـت کـه راه و رسـم زندگـی پیامـبر اسـلام(ص) را اطاعـت کنـی تـا راهنـمای خـوبی بـرای تـو در شـناخت بدی‌هـا، عیب‌هـا و زشـتی‌های دنیـا باشـد؛ زیـرا دنیـا از هـر سـو بـر پیامـبر(ص) بـاز داشـته و بـرای غیـر او گسـترانده شـد، از پسـتان دنیـا شـیر نخـورد و از زیورهـای آن فاصلـه گرفت». سـپس ساده‌زیسـتی حـضرت داوود و موسـی(ع) را ذکـر کـرده اسـت کـه در شرایـط سـخت می‌زیسـت و سرگـرم دنیـا نشـد (رک: خطبـه‌ی ۱۶۰). در کلام دیگری، زهـد پیامـبر(ص) را مثـال می‌زنـد و گرسـنگی، بی‌رغبتـی بـه دنیـا، ساده‌زیسـتی، دوری از فتنه‌هـای دنیـوی و دیگـر صفـات ایشـان را ذکـر می‌کنـد (رک: خطبـه‌ی ۱۶۱) تـا اسـوه‌ی پسـندیده‌ای بـرای دیگـران باشـد.

بنـا بـر آنچـه گفتـه شـد، انسـان در فرآینـد تربیـت و مسـیر تکاملـیِ خـود بـرای یافـتن بهتریـن روش‌هایِ زندگـی، بـه الگـو نیـاز دارد و بهتریـن الگـو، هـمان سـیره‌ی انبیـاء و ائمـه(ع) اسـت کـه در همـه‌ی شرایـط به‌ویـژه در وضعیـت فقـر، موجـب رشـد اخلاقـی، اعتقـادی و رعایـت تقـوای الهـی می‌شـود.

۱-۷. خویشتن‌داری

امـام علـی(ع) در بسـیاری از فرمایشـات خـود، بـر حفـظ آبـرو و کرامـت فقـرا تأکیـد می‌کنـد و می‌فرمایـد: «عفـت ورزیـدن، زینـت فقـر اسـت» (حکمـت ۶۸). در شرح ایـن سـخن نوشـته‌اند: عفـت، فضیلـت قـوه‌ی شـهوانی اسـت و هنگامی‌کـه فقیـر بـا عقلـش، زمـام شـهوتش را نسـبت بـه امیـال طبیعـی حفـظ کنـد، نفسـش بـا فضیلـتِ عفـت کامـل می‌شـود (قمـی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶) کـه منجـر بـه تقـوا و عزت‌نفـس خواهـد شـد؛ همچنیـن امـام(ع) در کلامـی بـه زیبایـیِ بـروز ایـن رفتـار اشـاره می‌کنـد: «چـه نیکـو اسـت فروتنـی توانگـران در برابـر مسـتمندان بـرای بـه دسـت آوردن پـاداش الهـی و نیکوتـر از آن،

www.SID.ir

Archive of SID

خویشتن‌داری مستمندان در برابر توانگران برای توکّل به خداوند است» (حکمت ۴۰۶).

در تعالیم اسلامی،خویشتن‌داری و درخواست نکردن از نااهلان، از ویژگی‌های مؤمنان معرفی‌شده است. امام علی(ع) می‌فرماید: «دعا کردم خدایا! مرا نیازمند احدی از آفریدگانت نکن.» پیامبر(ص) فرمود: «ای علی! چنین مگو؛ زیرا که هیچ‌کس نیست که نیازمند مردمان نباشد.» گفتم: «پس چگونه بگویم ای پیامبر خدا؟» فرمود: «بگو: خدایا مرا نیازمند مردم بد مکن.» طبق این کلام پیامبر(ص)، مردم دو گروهند: اهل و نااهل (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۰۸).

بی‌شك هر انسانی در زندگی خود احتیاجاتی دارد و بهتر است به کمترین امکانات قانع باشد؛ اما عزت و شرافت خود را از دست ندهد تا با ذلت به رفاه و تجملات برسد (رک: مطهری، بی‌تا، الف، ج ۲۳، ص ۴۴۹)؛ بنابراین، عزت‌نفس یکی از مؤلفه‌های مهم تربیتی در نهج‌البلاغه است که زمینه‌ساز رشد روانی فقرا می‌شود و امام(ع) بر حفظ آن تأکید دارد.

۲- خطاب به توانگران

امام علی(ع) ثروتمندان را یکی از علل اساسی ایجاد فقر می‌داند و در این زمینه بیاناتی دارد؛ ازجمله می‌فرماید: «همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران» (حکمت ۳۲۸). محورهای اساسی خطاب‌های امام علی(ع) به اغنیاء، برای توجه و دستگیری از مستمندان، به شرح زیر است:

۲-۱. نهی از مال‌اندوزی

دوری از مال‌اندوزی از توصیه‌های اساسی دین اسلام است. تلاش در کسب ثروت، به حدی که مال‌اندوزی و دنیاپرستی تلقی شود و به‌اندازه‌ای زیاد شود که دیگران از آن بهره‌ای نداشته باشند، رفتار مذموم و ناپسندی است که انسان با روی آوردن به آن، گام‌به‌گام به‌سوی عوامل هلاکت پیش می‌رود. امام علی(ع) دوستداران خود را با این سخن از مال‌اندوزی بر حذر می‌دارد: «من، پیشوای مؤمنان هستم و مال، پیشوای تبهکاران است» (حکمت ۳۱۶)؛ زیرا تکاثر سبب تجمع ثروت در دست طبقات خاصی در جامعه می‌شود که برهم‌زننده‌ی عدالت اقتصادی- اجتماعی است.

امام(ع) در مقابله با دنیاگرایی، به تقوا و اکتفا به‌قدر کفایت سفارش نمی‌کند و می‌فرماید: آن‌کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد، وسایل نابودی خود را فراهم کرده است؛ سپس به یاد مرگ می‌پردازد و خطرات ناگوار دنیا را متذکر می‌شود (رك: خطبه‌ی ۱۱۰) و در حکمت دیگری می‌فرماید: «ای فرزند آدم! آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران اندوخته‌ای» (حکمت ۱۹۲)؛ سپس در آموزشِ روشِ برخورد با دنیا، چنین به تربیت نفوس می‌پردازد: «سعی کنید با بهترین زاد و توشه از دنیا کوچ کنید و بیش از نیاز خود از آن نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید، طلب نکنید» (خطبه‌ی ۴۵)؛ زیرا «در حلال دنیا، حساب و در حرام آن، عذاب است و کسی که ثروتمند شود، فریب می‌خورد» (خطبه‌ی ۸۲). البته اگر انسان از یاد خداوند غافل گردد، چه در فقر یا در غنا، دچار اندوه و مشکلاتی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱۸).

www.SID.ir

Archive of SID

امام(ع) در سخنان فوق، با هدف تربیت مردم، آنان را به دوری از طماعی و مال‌اندوزی توصیه می‌کند؛ پس در رابطه با دنیا، باید در حدِ مطلوب برای رفع نیازها تلاش کرد؛ اما فریفته‌ی آن نشد؛ زیرا دنیا ناپایدار است و خطر ناگهانی مرگ نیز، بی‌ارزشی آن را دوچندان جلوه می‌دهد.

۲-۲. پرهیز از دنیاپرستی

یکی از فضایلِ سفارش‌شده‌ی دین که در نهج‌البلاغه نیز مورد اهتمام قرار گرفته است، پرهیز از دنیاپرستی و تأکید بر زهد است که بستر مناسبی برای درک وضعیت فقرا و مستمندان است. زهد، ضد حرص و رغبت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹۶) و به معنای بی‌اعتنایی به دنیاست (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۸۳)؛ همچنین به معنای گرایش قلبی نداشتن نسبت به دنیا و ترک آن نیز آمده است (رک: مطهری، بی‌تا، ب، ج ۱۶، ص ۲۴۰). زاهد کسی است که مال اندک داشته باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰) و به مقدار اندک راضی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۳) و به دنیا وابسته نباشد (رشاد، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۱۹۵). بی‌رغبتی به دنیا و زهد، به معنای تارک دنیا بودن نیست (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۳)، بلکه معنای واقعی زهد، بی‌نیازی درون و سیراب بودن روح انسان به‌وسیله‌ی معنویات و ترك دل‌بستگی‌های مادّی است (مکارم شیرازی،۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱۰) که با کوتاه کردن آرزوها و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و پرهیز از محرّمات و حرص و طمع بیهوده برای دنیا حاصل می‌شود (رک: خطبه‌ی ۸۱).

امام(ع) با هدف تربیت مخاطب خود -که مخاطبی فرازمانی است- در موارد متعددی به نکوهش دنیا می‌پردازد و در توصیه به اصلاح رابطه‌ی انسان با دنیا، نسبت به دنیاپرستی انذار می‌کند و دنیا را خانه‌ای ناپایدار و جایگاه مشکلات می‌داند که ساکنان آن، در حال کوچ و اقامت گزیدگانش به جدایی محکومند (رک: خطبه‌ی ۱۹۶)؛ همچنین در تبیین روش برخورد با دنیا می‌فرماید: «از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد، بردار و از آنچه پشت کند، روی گردان و اگر نمی‌توانی، در جست‌وجوی دنیا نیکو تلاش کن» (حکمت ۳۹۳). امام(ع) بر نهی از دنیاپرستی تأکید خاصی دارد؛ زیرا دنیاپرستی را دارای مشکلات و عواقبی ازجمله اندوهی رها نشدنی، حرصی جدانشدنی و آرزویی نایافتنی می‌داند (رک: حکمت ۲۲۸) و به همین سبب، بر التزام عملی به زهد و دوری از دنیاگرایی توصیه می‌کند (رک: حکمت ۱۵۰).

پس می‌توان چنین استنتاج کرد که امام(ع) هرگز زندگی دنیوی را یک زندگی پلید و پست تلقی نمی‌کند؛ زیرا دعوت به کناره‌گیری مطلق از دنیا و نادیده گرفتن مقتضیات آن، از ویژگی‌های معنویت‌های دروغین است، بلکه در تعالیم اسلام، به رعایت اعتدال در دنیا و آخرت توصیه‌شده و دنیا مقدمه‌ی آخرت و پلی برای وصول به آن معرفی‌شده است (رک: شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۹)؛ بنابراین، با توجه به نظام تربیتی اسلام، نوع نگاه انسان به دنیا، در زندگی او تأثیر مستقیم دارد و در این میان، بیانات نهج‌البلاغه بر اساس بینشی صحیح، با طرح مباحث مربوط به عدم دنیاپرستی، به تربیت اقتصادی انسان می‌پردازد.

WWW.SID

Archive of SID

۲-۳. میانه‌روی در مصرف

میانه‌روی یکی از رفتارهای پسندیده‌ی اقتصادی است که امام(ع) آن را از اوصاف پرهیزکاران می‌داند (رک: خطبه‌ی ۱۹۳). از آثار مفید میانه‌روی، جلوگیری از تهی‌دستی است. همچنان‌که فرمود: «آن‌که میانه‌روی کند، تهی‌دست نمی‌شود» (حکمت ۱۴۰).

در مقابل، اسراف به معنی عدم رعایت حدّ و حدود، در کمیت و کیفیت است؛ بنابراین مصرف کردن مال و ثروت بیش از حد لازم و استفاده‌ی هر چیزی در غیر موضع خودش، از مصادیق اسراف است (مرامنامه‌ی دولتمردان و فلسفه‌ی حکومت اسلامی،۱۳۶۰، ص ۵۹) و اسراف در مال، به معنای ندانستن ارزش مالی است که باعث نگهداری نفس از ذلت و خواریِ طلب می‌شود (بیگم آزرمی، ۱۳۸۵، ص ۲۷). این عمل از نظر عقل و شرع، مذموم بوده و خداوند متعال در آیه‌ی «وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، ۱۴۱) با صراحت به این نکته اشاره کرده است. اسراف آثار منفیِ اقتصادی بسیاری برای افراد و جوامع به دنبال دارد. یکی از تبعات آن، رشد فقر در جامعه است که هم سبب فقیر شدن افراد می‌شود و هم بر دولت‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، به‌طوری‌که اکثر افرادی که باید به‌وسیله‌ی حکومت تأمین شوند یا از برنامه‌های عمرانی بهره‌مند گردند، محروم می‌مانند (رک: محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۰).

در مکتب تربیتی امام علی(ع) شایسته نیست مسلمان به بهانه‌ی مالکیت بر اموال و دارایی‌هایی که در دست دارد، در مصرف آن آزاد باشد و آن را به هر نحوی برای تأمین لذت‌های شخصی به کار گیرد، بلکه باید با در نظر گرفتن دو اصل توجه به همنوع و آخرت‌گرایی، به میانه‌روی در مصرف بپردازد تا بتواند با یاری رساندن به مستمندان، رضایت خداوند متعال را به دست آورد.

۲-۴. تشویق به ایثار اقتصادی

تأکید فراوان آموزه‌های دینی بر یاری فقرا در قالب انفاق واجب و مستحب، نشانگر اهمیت دادن بسیارِ دین اسلام به این امور است. خداوند متعال بارها در قرآن، ارزش این کار را بیان می‌کند (رک: بقره، ۲۶۲،۲۶۱ و ۲۶۴؛ آل‌عمران، ۱۳۴؛ حج، ۳۵ و قصص، ۵۴ و...) و با بیان آیه‌ی ۱۹ ذاریات «**وَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ**»، توانگران را متوجه حق فقرا می‌نماید (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۳۲۳). امام(ع) نیز زکات را واجب معرفی می‌کند (خطبه‌ی ۱۱۰) و بر پرداخت آن تأکید دارد تا به‌وسیله‌ی آن بتواند به ساماندهی زندگی فقرا بپردازد و از فساد و اختلال در اجتماع جلوگیری کند (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۳۷). بر این اساس، انسان موظّف است درآمدِ بیش از هزینه‌های زندگی خود را در راه خدا انفاق کند تا با این کار، در رفع نیاز مستمندان مؤثر باشد (بنا رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹). اگر توانگران و مرفهان جامعه، بخش اندکی از ثروت خود را به فقرا اختصاص دهند، علاوه بر دریافت اجر و پاداش الهی، باعث گسترش آرامش روحی و روانی در خود، فقرا و دیگر اقشار جامعه می‌شوند. البته در اندیشه‌ی اقتصادی امام(ع)، توانگران و ثروتمندان مسئول تأمین نیازهای فقیران هستند (حائری، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

امام علی(ع) در موارد متعددی، به ارزش و اهمیت انفاق در راه خدا اشاره و به انفاق و بخشش

www.SID.ir

Archive of SID

به طبقه‌های پایین توصیه می‌کند (نامه ۵۳) و می‌فرماید: «خوشا به حال آن‌کس که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند» (حکمت ۱۲۳) و صدقه را دارویی ثمربخش می‌داند که فردا در پیش روی آنان جلوه‌گر است (رک: حکمت ۷).

هدف دین اسلام از تشریع انفاق، تنها کمک به فقرا نیست، بلکه هدف اصلی، تربیت روح انسان است؛ زیرا انفاق موجب زدودن رذایل اخلاقی همچون بخل، حرص و آز و تقویت فضایل اخلاقی و پرورش خصائص نیکی مانند بزرگواری، سخاوت، همدلی و... در انفاق‌کننده می‌شود. امام(ع) مکرراً بر انفاق مال تأکید داشت (خطبه‌ی ۱۴۲) و خود، بخش مهمی از درآمدها و اموال خویش ازجمله قنات‌ها و نخلستان‌هایی را به نیازمندان اختصاص می‌داد (رک: ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابن‌شبه نمیری، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸).

امام علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات را تا قیامت می‌برد و فردا که به آن نیاز داری، به تو بازمی‌گرداند، کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار؛ زیرا ممکن است روزی در رستاخیز در جست‌وجوی چنین فردی باشی و او را نیابی» (نامه‌ی ۳۱). این امر به این نکته اشاره دارد که انسان، مازاد نیازمندی‌هایش را در راه خدا انفاق کند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۳۹).

بنابراین، ایثار اقتصادی که زکات، خمس، صدقه و... را در بر می‌گیرد، از راهکارهایی است که افزون بر آثار سازنده‌ی اخلاقی، تربیتی و...، نقش بسیار مهمی در توزیع و تعدیل ثروت میان افراد جامعه و برقراری عدالت اجتماعی- اقتصادی دارد، به‌طوری‌که می‌توان ادّعا کرد اگر افراد جامعه‌ای بر اساس آموزه‌های اقتصادیِ اسلام تربیت شوند؛ فقر، شکاف طبقاتی و به‌تبع آن، بسیاری از معضلات اجتماعی در آن جامعه از میان خواهد رفت.

۲-۵. شکرگزاری و فروتنی در توانگری

یکی دیگر از توصیه‌های امام علی(ع)، آراستگی به شکرگزاری و فروتنی در هنگام توانگری است که در همین زمینه می‌فرماید: «شکرگزاری زینت بی‌نیازی است» (حکمت ۶۸). درواقع، شکرگزاری راهکاری تربیتی است که حالت روحی خاصی را در انسان ایجاد می‌کند و تأثیر بسزایی در توجه انسان به خدا و تعمیق معرفت و ایمان به او دارد؛ زیرا شُکر به معنی اعتراف به نعمت و نعمت‌دهنده و ابراز این دو حقیقت است (مدرسی طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۱).

به‌طورکلی، شکرگزاری تکلیف هر انسانی است؛ اما با توجه به اینکه خداوند چنان به توانگران روزی داده که از دیگران بی‌نیاز هستند، لزوم شکرگزاری از سوی آنان روشن‌تر می‌شود. علاوه بر این، ازآنجاکه تجمع ثروت در دست مرفهان بی‌یاد خداوند موجب انحراف می‌شود، زیبنده است که آنان شکرگزار باشند تا دچار غفلت نگردند و به نعمت آنان نیز افزوده شود؛ زیرا رابطه‌ی مستقیم و معناداری میان شکر و ازدیاد و تداوم نعمت‌های الهی وجود دارد. خداوند متعال نیز در آیه‌ی «**...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...**» (ابراهیم، ۷)، شکرگزاری را موجب ازدیاد نعمت معرفی کرده است. امام صادق(ع) در تفسیر این آیه فرمود: از این آیه برمی‌آید که هر بنده‌ای که به او نعمتی

www.SID.ir

Archive of SID

عطا شد و به قلب خود، به آن نعمت اقرار و خداوند را به زبان خود ستایش کرد، سخنش به پایان نمی‌رسد جز اینکه خداوند فرمان دهد که بر نعمت او افزوده شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۶۹).

بنابراین، شکرگزاری در هنگام رفاه و دارایی، موجب رضایت الهی و ازدیاد نعمت می‌شود و یکی از مصادیق شکر نعمت، مصروف داشتن آن در راه خداوند متعال، از راه کمک به مستمندان و رفع نیاز فقرا است و این سخنان امام(ع)، توصیه‌ای معنوی است که دربرگیرنده‌ی یکی از اصول تربیتی یعنی خضوع و فروتنی است.

۳-تعیین وظایف کارگزاران حکومتی

فقرزدایی و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی از مهم‌ترین وظایف حاکمان جامعه‌ی اسلامی است که امام(ع) در نهج‌البلاغه به شیوه‌های مختلفی، مسئولان حکومتی را به توجه به این امر سفارش کرده است؛ ازجمله:

۳-۱. دستور به رعایت ساده‌زیستی

امام علی(ع) ساده‌زیستی را وظیفه‌ی مسئولان جامعه‌ی اسلامی می‌داند و می‌فرماید: خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند (خطبه‌ی ۲۰۹ و رک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۶)؛ زیرا گاهی انسان بر اثر فقر، تحمل خود را از دست می‌دهد و درنتیجه، کافر و بی‌دین می‌گردد یا به گناه کشانده می‌شود (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴). امام(ع) مکرراً حاکمان و کارگزاران حکومت اسلامی را به تقوا و ساده‌زیستی و دوری از تجمل توصیه می‌کرد و زندگی خودشان نیز هم‌سطح فقیرترین افراد جامعه بود (رک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۳۰ و محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۵، ج ۹، ص ۳۵۰). در خطاب به عثمان‌بن‌حنیف، ایشان را به علت حاضر شدن در مهمانی سرمایه‌داران و خوردن از غذاهای رنگارنگ نکوهش می‌کند و ساده‌زیستی خود به‌عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی را برای او مثال می‌زند (رک: حکمت ۳۵۵). این انتقاد و نکوهش امام(ع) گویای این است که مسئولان نه‌تنها نباید زندگی مرفه و بالاتر از سطح مردم عادی جامعه داشته باشند، بلکه باید در سطح پایین‌ترین افراد جامعه باشند؛ زیرا یکی از علل فقر، برخورداری حاکمان از رفاه و تجمّع ثروت در دست آنان است (رک: حائری، ۱۳۷۸، ص ۹۲).

سیره‌ی عملی امام(ع) نشان می‌دهد که همواره بر ساده‌زیستی تأکید داشت و برای اینکه با مردم همسو باشد، درنهایت قناعت و ساده‌زیستی، امرار معاش می‌کرد (یعقوبی، بی‌تا، ص ۵۹). حضرت از درآمد خودشان، به مردم نان و گوشت می‌دادند؛ اما خود ایشان با اندک روغن زیتونی اطعام می‌کردند[1] (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰؛ رک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۳۰). همه‌ی تلاش

۱- البته امام(ع) چنین رفتاری را تنها برای رهبران و زمامداران عادل جایز می‌داند و سایر مردم را از آن نهی می‌کند (خطبه‌ی ۲۰۹) و در مواردی نیز، افرادی را به سبب استفاده نکردن از نعمت‌های حلال توبیخ کردند (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱۰).

www.SID.ir

Archive of SID

امـام(ع) بـرای ایـن بـود کـه ساده‌زیسـتی -فراموش‌شـده -را احیـا کنـد (مغنیـه، ۱۳۸۶، ص ۵۱۱). به‌ویـژه اینکـه برخـی از اکابـر صحابـه و مسـئولین بـه زندگـی اشرافـی روی آورده بودنـد و ایـن نه‌تنهـا باعـث شـکاف طبقاتـی بیشـتر شـده بـود، بلکـه خطـر انحـراف اخلاقـی را نیـز در پـی داشـت.

بـا توجـه بـه سـیره‌ی تربیتـی امـام(ع)، ساده‌زیسـتیِ مسـئولان حکومـت موجـب می‌شـود که تهی‌دسـتان بـا مشـاهده‌ی زندگـی آنـان، کاسـتی‌های زندگـی خـود را تحمـل کننـد. در آموزه‌هـای نهج‌البلاغـه، تفاوتـی میـان مسـئولین و مـردم از نظـر برخـورداری از رفـاه وجـود نـدارد و اگرچـه اشرافی‌گـری و تجمـل بـرای همـه‌ی اقشـار مذمـوم اسـت؛ امـا بـرای مسـئولان تبعـات منفـی و مخـرّب بیشـتری دارد و باعـث ایجـاد شـکاف بیـن آنـان و مـردم می‌شـود. بـر همیـن اسـاس، بـا بیانـات متعـددی درصـدد تربیـت اخلاقـی آنـان اسـت.

۳-۲. دقت در اخذ زکات و مصرف عادلانه‌ی بیت‌المال

امـام علـی(ع) دربـاره‌ی چگونگـی اخـذ زکات به‌عنـوان یکـی از پشـتوانه‌های مالـی حکومـت اسـلامی، سـفارش‌های زیـادی داشـته اسـت. در نامـه‌ای بـه یکـی از مأمـوران دریافـت زکات، بـه نکاتـی اشـاره می‌کنـد کـه گویـای توجـه امـام بـه اهمیـت زکات و پرهیـز از تعـرض بـه امـوال مـردم و اخـذ مالیـات و زکات بـا رضایـت آنـان اسـت (رک: نامـه ۲۵).

عـلاوه بـر کلام فـوق، امـام(ع) بـه دقـت در مـصرف بیت‌المـال نیـز توجـه داشـته اسـت؛ ازجملـه در جـواب عبدالله‌بن‌زمعـه (از یارانـش) کـه درخواسـت مـالی داشـت، فرمـود: ایـن امـوال نـه مـال مـن و نـه از آن توسـت، غنیمتـی گـرد آمـده از مسـلمانان اسـت کـه بـا شمشـیرهای خـود بـه دسـت آوردنـد. اگـر تـو در جهـاد همراهشـان بـودی، سـهمی چونـان سـهم آنـان داشـتی؛ وگرنـه دسـترنج آنـان خـوراك دیگـران نخواهـد بـود (خطبـه‌ی ۲۳۲) و ایـن از جلوه‌هـای نـاب عدالـت علـوی و تربیـت اقتصـادی ایشـان اسـت. نمونه‌هـای فراوانـی از عدالـت امـام(ع) در تقسـیم بیت‌المـال موجـود اسـت (رک: ابن‌ابی‌الحدیـد، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ثقفـی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۶) امـام(ع) در دوران حکومتشـان، از دسـترنج خویـش ارتـزاق می‌کـرد و از تـرس اینکـه چیـزی از بیت‌المـال بـر آن افـزوده نشـود، آن را در کیسـه‌ای می‌گذاشـت و سرش را مهـر می‌کـرد (ابن‌ابی‌الحدیـد، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۹).

به‌این‌ترتیـب، امـام(ع) در اخـذ زکات کـه منبعـی بـرای رفـع فقـر از جامعـه اسـلامی اسـت، دقـت خاصـی داشـت و در مـصرف بیت‌المـال نیـز، یـاران و کارگـزاران خـود را طـوری تربیـت می‌کـرد تـا هرکـس متناسـب بـا حـقِّ خـود، از بیت‌المـال بهره‌منـد شـود و همـه‌ی افـراد جامعـه هماهنـگ و باهـم رشـد کننـد.

۳-۳. مخالفت با امتیازدهی به گروهی خاص

در هـر عـصری، فقـر و شـکاف طبقاتـی، معضلـی اجتماعـی اسـت کـه بـر اثـر بی‌عدالتـی و زیاده‌خواهی‌هـای عـده‌ای پدیـد می‌آیـد و موجـب مشـکلات فراوانـی در سـطح جامعـه می‌شـود. در حکومـت اسـلامی، هـدف از قبـولِ مسـئولیت، امتیازجویـی بـرای خـود و نزدیـکان نیسـت، بلکـه هـدف اصلـی، خدمـت بـه مسـلمین اسـت. بـر اسـاس آموزه‌هـای نهج‌البلاغـه، نحـوه‌ی برخـورد مسـئولان

www.SID.ir

Archive of SID

حکومت با مردم باید بر محور عدالت باشد و هیچ‌کس از امتیاز و حقّ ویژه‌ای برخوردار نیست. همان‌طورکه امام علی(ع) به‌عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی، برای هیچ‌یک از نزدیکان خود امتیازی قائل نبود. در کتب تاریخی، موارد متعدّدی از برخورد ایشان با امتیازطلبی ذکرشده است. ماجرای آمدن برادرِ ایشان عقیل و درخواست تقاضای اضافه از بیت‌المال و پاسخ امام به تقاضای او، نمونه‌ای مشهور از این موارد است (رک: خطبه‌ی ۲۲۴) که الگوی تربیتیِ کم‌نظیری برای زمامداران در حفظ بیت‌المال و رعایت عدالت به‌شمار می‌رود (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۵۶).

همچنین امام(ع) به‌منظور تربیت و هدایت کارگزاران خویش، مکرراً با سخنان و نامه‌هایی این مسئله را به آنان گوشزد کرده است. در نامه به مالک اشتر وی را از نزدیکان خودخواه، سودجو و چپاولگر بر حذر می‌دارد (نامه ۵۳) و در نامه به مصقلة‌بن‌هبیره شیبانی، با خشونت، او را نسبت به خبری که مبنی بر بخشیدن غنائم به خویشاوندانش رسیده، تهدید می‌کند و او را به عدالت و حفظ دین توصیه می‌نماید (نامه ۴۳). امام(ع) برتری‌جوییِ کسی را نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: من قرآن خواندم و در آن ندیدم حتّی به‌اندازه‌ی بال پشه‌ای، فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری داشته باشند (بلاذری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱). او اموال را به‌طور مساوی تقسیم می‌کرد و برای هیچ‌کس حقّ ویژه‌ای قائل نمی‌شد؛ به همین سبب، در زمان حکومتش با مشکلات اساسی روبه‌رو بود (رک: اسکافی، ۱۴۰۲، ص ۲۲۷).

ابن‌ابی‌الحدید در عدالت علی(ع) می‌نویسد: «مهم‌ترین علت خودداری عرب در یاری نکردن علی(ع)، تقسیم مال و ثروت بود؛ زیرا او هیچ ثروتمندی را بر فقیر و هیچ عربی را بر عجم ترجیح نداد و با رؤسای قبایل سازشی نداشت و آن‌گونه که حاکمان در این موارد عمل می‌کردند، عمل نمی‌کرد و هیچ‌کس را با مال به‌سوی خود جذب نمی‌کرد، درحالی‌که شیوه‌ی معاویه درست نقطه‌ی مقابل علی(ع) بود، به همین علت، مردم امام علی(ع) را ترک کرده و به معاویه پیوستند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۷). جورج جرداق نیز درباره‌ی التزام امام(ع) به عدالت‌ورزی می‌نویسد: «سفارش‌ها و نامه‌های علی(ع) به فرمانداران، همیشه پیرامون رعایت و برقراری عدالت می‌چرخید، به همین سبب مردم علیه او متّحد شدند» (جرداق، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰۹).

امتیازدهی به نزدیکان از مسائلی است که تبعات منفی بسیاری دارد؛ زیرا نگرش مردم را نسبت به حکومت و متولیان آن تغییر می‌دهد و موجب بهره‌مندی عده‌ای خاص و ناکامی دیگران می‌شود. به همین علت، امام(ع) به شدت با آن مقابله کرده و درصدد تربیت حاکمان بر محور عدالت بودند.

۳-۴. برخورد با خیانت‌کاران در بیت‌المال

بیت‌المال برای بهره‌برداری همگانی و استفاده‌ی عموم مردم است و خیانت در آن سبب تضییع حقوق مردم و برهم خوردن عدالت و موازنه‌ی اقتصادی-اجتماعی می‌شود. امام(ع) در مصرف بیت‌المال بسیار دقیق و سخت‌گیر بود و همواره با نگاهی ارشادی، کارگزاران را نسبت به رعایت امانت موعظه می‌کرد و به انحراف از راه حق هشدار می‌داد و در برخورد با مفسدان اقتصادی، از

www.SID.ir

Archive of SID

سیاست سرکوبگرانه‌ای همچون تعیین و اعمال مجازات شدید استفاده می‌کرد و قاطعانه با تمامی مصادیق مفاسد اقتصادی مبارزه می‌نمود.

در نامه‌ای به یکی از کارگزارانش فرمود: «از تو خبری رسیده که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی، گرفته و آنچه در اختیار داشتی، به خیانت خورده‌ای؛ پس هرچه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نامه‌ی ۴۰).

امام(ع) در هیچ شرایطی، حاضر به تقسیم ناعادلانه‌ی بیت‌المال نبود. به ایشان گفتند که مردم به دنیا دل‌بسته‌اند و معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنان را جذب می‌کند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند. امام(ع) فرمود: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره‌ی امت اسلامی که بر آنان ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود نیز به‌گونه‌ای مساوی میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزء اموال خداست» (خطبه‌ی ۱۲۶؛ رک: خطبه‌ی ۲۲۴؛ ابن‌ابی‌الحدید،۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰). امام(ع) این‌گونه کارگزاران را بر اساس تقوای الهی تربیت می‌کرد.

نتیجه‌گیری

حاصل این پژوهش را می‌توان در قالب نکات ذیل بیان کرد:

۱- در نهج‌البلاغه، با نگاهی سامانمند و نظام تربیتیِ خاص، اعضای جامعه به‌عنوان پیکر واحدی دانسته شده‌اند که باید میان اعضای آن، مسئولیت‌پذیری، تعاون، همکاری و ایثار حاکم باشد تا به سعادت برسند.

۲- فقر یکی از منفورترین جلوه‌های فردی و اجتماعی معرفی‌شده و با روشی تربیتی و ارائه‌ی راهکارهای مؤثر و راهگشا، به مقابله با آن پرداخته‌شده است.

۳- در مکتب تربیتی امام(ع)، رفع فقر و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی، اگرچه وظیفه‌ی حاکمان است؛ اما همه‌ی افراد جامعه متناسب با جایگاه و توانِ خود، مأمور به جهاد اقتصادی هستند، به‌طوری‌که خطاب به فقرا، آنان را به اموری همچون توکل، قناعت، عزت‌نفس، کار و تلاش و... سفارش می‌کند. افراد متمکن جامعه نیز به‌عنوان اصلی‌ترین عامل فقر و غنا، به وظایفی در زمینه‌ی انفاق مالی توصیه می‌شوند و با رویکرد آخرت‌گرایی تربیت می‌گردند و مسئولان و مدیران حکومتی نیز به علت نقش مهمی که در مدیریت جامعه و تقسیم بیت‌المال دارند، مکرراً با توصیه‌های اخلاقی، تربیتی و مدیریتی و با ارائه‌ی راهکارهای مختلفی برای مقابله با فقر خطاب قرار گرفته‌اند.

۴- امام(ع) با روش‌هایی همچون ارائه‌ی الگو، پند و موعظه، ترغیب، هشدار، تهدید، مجازات و...، درصدد تربیت کارگزاران و مسئولان حکومتی برای مدیریت صحیح بیت‌المال، اجرای عدالت و

www.SID.ir

Archive of SID

درنتیجه رفع فقر و تأمین رفاه جامعه است.

۵- در مقابله با فقر، اگرچه خودِ فقرا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان این مبارزه، به قناعت و رعایت اصول اخلاقی توصیه‌شده و مکلف به کار، تلاش و تولید هستند؛ اما دیگر اعضای جامعه از این امر مستثنا نیستند، بلکه هرکدام متناسب با توان و ظرفیتی که دارند، موظف به دستگیری و یاری فقرا هستند، به‌طوری‌که در بیانات امام(ع)، راهکار اصلی رفع فقر و ایجاد شرایط مطلوب معیشتیِ جامعه، در اموالِ سرمایه‌داران و تدبیرِ مدیران حکومت نهفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ چاپ هجدهم، قم، پیام مقدّس،۱۳۹۳ ش.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبةالله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل؛ جلد ۲ و ۱۵، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی،۱۴۰۴ ق.
- ابن‌شبه نمیری، عمربن‌شبه؛ تاریخ مدینه منوره؛ ترجمه‌ی حسین صابری؛ تهران، مشعر،۱۳۸۰ ش.
- ابن‌شهرآشوب مازندرانی، محمدبن‌علی؛ مناقب آل ابی‌طالب(ع)؛ جلد ۲، قم، علامه، ۱۳۷۹ ش.
- ابن‌فارس، احمد؛ معجم‌مقاییس‌اللغه؛ محقق: عبدالسلام محمد هارون؛ جلد ۳، قم، مکتب الاعلام الاسلامی،۱۴۰۴ ق.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ لسان‌العرب؛ محقق: جمال‌الدین میردامادی؛ جلد ۳، بیروت، دارالصادر،۱۴۱۴ ق.
- اسکافی، محمدبن‌عبدالله؛ المعیار و الموازنه در برتری امیرالمؤمنین(ع)؛ ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی؛ تهران، نی، ۱۴۰۹ ق.
- اسفندیاری، اسماعیل؛ «فقر و انحرافات اجتماعی»؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۸۲ ش.
- بحرانی، ابن‌میثم؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی قربانعلی محمدی‌مقدم و علی‌اصغر نوایی یحیی‌زاده؛ ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
- ــــــــــ؛ شرح صد کلمه امیرالمؤمنین(ع)؛ ترجمه‌ی عبدالعلی صاحبی؛ مصحح: میر جلال‌الدین حسینی ارموی محدث؛ چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
- بلاذری، احمدبن‌یحیی؛ انساب‌الاشراف؛ تحقیق و مقدمه: سهیل زکار و ریاض زرکلی؛ بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- بنا رضوی، مهدی؛ طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی؛ مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی،۱۳۶۷ ش.
- بیگم آزرمی، معصومه؛ نفس در اسارت شیطان؛ چاپ سوم، قم، تهذیب،۱۳۸۵ ش.
- پرهیزکار، زینب؛ نقش توکل در زندگی فردی اجتماعی-سیاسی امام‌علی(ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده‌ی الهیات، ۱۳۹۰ ش.
- پیغامی، عادل و تورانی، حیدر؛ «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا»؛ نوآوری‌های آموزشی، سال ۹، شماره‌ی ۳۷، ۱۳۹۰ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ مصحح: سیدمهدی رجایی؛ قم، دارالکتب الاسلامی،۱۴۱۰ ق.
- ثقفی، ابراهیم‌بن‌محمد؛ الغارات؛ تحقیق: جلال‌الدین محدث؛ جلد ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ ش.
- جرداق، جرج؛ امام علی(ص) صدای عدالت انسانی؛ ترجمه‌ی سید هادی خسروشاهی؛ جلد ۱، چاپ دهم، تهران، سماط، ۱۳۷۹ ش.
- ــــــــــ؛ بخشی از زیبایی‌های نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی محمدرضا انصاری؛ تهران، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۷۳ ش.
- جمعی از نویسندگان؛ مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی

www.SID.ir

Archive of SID

ایـران؛ تهـران، شـورای عالـی انقـلاب فرهنگـی، ۱۳۹۰ ش.
• جهانیان، ناصر؛ امنیت اقتصادی؛ بی‌جا، مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بی‌تا.
• حائـری، سـید محسـن؛ اندیشـه‌های اقتصـادی در نهج‌البلاغـه؛ ترجمـه‌ی عبدالعلـی آل‌بویـه لنگـرودی؛ تهـران، بنیـاد نهج‌البلاغـه،۱۳۷۸ ش.
• حرانی، ابن‌شعبه؛ تحف‌العقول؛ بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
• حسن‌زاده، علی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر فقر»؛ پژوهش‌های اقتصادی، دوره سوم، شماره‌ی ۴-۵، ۱۳۷۹ ش.
• حسین‌زاده، علی؛ «نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی»؛ معرفت اخلاقی، سال اول، شماره‌ی ۴، ۱۳۸۹ ش.
• حسینی، سید هادی؛ پدیده شناسی فقر و توسعه؛ مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰ ش.
• حکیمی، محمدرضا و برادران؛ الحیاة؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ جلد ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
• دلشاد تهرانی، مصطفی؛ منظر مهر (مبانی تربیت در نهج‌البلاغه)؛ تهران، دریا، ۱۳۷۹ ش.
• راغـب اصفهانـی، حسـین‌بن‌محمد؛ مفـردات الفـاظ قـرآن؛ محقـق: صفـوان عدنـان مصطفـی؛ جلـد ۳، بیـروت، دارالقلـم الدارالشـامیة،۱۴۱۲ ق.
• رشاد، علی‌اکبر؛ دانشنامه امام علی(ع)؛ جلد ۱۱، تهران، پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶ ق.
• سبحانی، جعفر؛ سیمای اقتصاد اسلامی؛ قم، مؤسسه امام صادق(ع)،۱۳۹۰ ش.
• شریفـی، احمدحسـین و همـکاران؛ اخـلاق و سـبک زندگـی اسـلامی؛ قـم، نهـاد نمایندگـی مقـام معظـم رهـبری در دانشـگاه‌ها، دفـتر نـشر معـارف، ۱۳۹۱ ش.
• شمخی، مینا؛ آیین نیایش در قرآن بارویکرد پاسخگویی به شبهات؛ چاپ دوم، تهران، هستی نما، ۱۳۹۸ ش.
• صدر، محمدباقر؛ طرح گسترده‌ی اقتصاد اسلامی؛ ترجمه‌ی فخرالدین شوشتری؛ جلد ۲، تهران، بدر، ۱۳۵۹ ش.
• طباطبایـی، سـید محمدحسـین؛ المیـزان فـی تفسـیرالقرآن؛ ترجمـه‌ی سـید محمدباقـر موسـوی همدانـی؛ قـم، دفـتر انتشـارات اسـلامی جامعـه مدرسـین حـوزه علمیـه قـم، ۱۴۱۷ ق.
• طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ جوامع‌الجامع؛ ۴ جلدی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
• ـــــــــــــ؛ مجمع‌البیان؛ جلد ۶، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
• طبری، ابوجعفر محمدبن‌جریر؛ تاریخ طبری؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قاهره، مطبعه‌الاستقامه، ۱۳۵۷ ق.
• فراهانی‌فـرد، سـعید؛ نگاهـی بـه فقـر و فقرزدایـی از دیـدگاه اسـلام؛ تهـران، موسسـه فرهنگـی دانـش و اندیشـه معـاصر، ۱۳۷۸ ش.
• فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی؛ ترجمه‌ی و شرح نهج البلاغه؛ تهران، فقیه، ۱۳۷۹ ش.
• قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ جلد ۹، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
• قرشی بنایی، علی‌اکبر؛ قاموس‌قرآن؛ جلد ۳، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
• قمی، شیخ‌عباس؛ شرح حکم نهج‌البلاغة؛ مصحح: باقر قربانی زرین؛ تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵ ش.
• کلینی، ابوجعفر محمدبن‌یعقوب؛ اصول‌کافی؛ جلد ۴ و ۸، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه،۱۳۸۹ ق.
• مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ جلد ۶۶ و ۷۴، چاپ دوم، بیروت، دار احیاءالتراث‌العربی ۱۴۰۳ ق.
• محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه؛ جلد ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
• ـــــــــــــ؛ موسـوعه‌الامام علی‌بن‌ابـی طالـب(ع) فـی الکتـاب و السـنه و التاریـخ؛ جلـد ۴، بیـروت،

www.SID.ir

Archive of SID

دارالحدیـث للطباعـه و النـشر، ۱۴۲۵ ق.
• محمودی، اصغر؛ کار از دیدگاه حضرت علی(ع)؛ صحیفه مبین، شماره‌ی ۲۵، ۱۳۸۲ ش.
• مدرسی‌طباطبایی یزدی، سید محمدرضا؛ شُکر (سرود آسمانی)؛ بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
• مرامنامه دولتمردان و فلسفه حکومت‌اسلامی؛ بی‌جا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،۱۳۶۰ ش.
• مسعودی، علی‌بن‌الحسین؛ مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر؛ بیروت، دارالفکر،۱۴۰۹ ق.
• مصباح یزدی، محمدتقی؛ پندجاوید؛ جلد ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)،۱۳۸۰ ش.
• مطهری، مرتضی؛ آزادی معنوی؛ نرم افزار مجموعه آثار، جلد ۲۳، تهران، صدرا، بی‌تا.
• ـــــــــــ؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ نرم افزار مجموعه آثار، جلد ۱۶، تهران، صدرا، بی‌تا.
• مغنیه، محمدجواد؛ فضیلت‌های امام علی(ع)؛ ترجمه‌ی عبدالرزاق سیادت؛ قم، دارالکتب‌الاسلامیه،۱۳۸۶ ش.
• مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (شرح نهج‌البلاغه)؛ جلد ۳، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
• ـــــــــــ؛ پیام امام امیرالمؤمنین (شرح نهج‌البلاغه)؛ جلد ۱۲، ۱۳ و ۱۴، قم، انتشارات امام علی‌بن‌ابیطالب(ع)، ۱۳۹۰ ش.
• ـــــــــــ؛ تفسیرنمونه؛ دارالکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
• موسی‌زاده، زهره و صنعتی، فاطمه؛ «تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی»؛ مجله‌ی تربیت اسلامی، سال ۱۲، شماره‌ی ۲۴، تابستان ۱۳۹۶ ش.
• میرمعزی، سید حسین؛ نظام اقتصادی اسلام؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،۱۳۸۹ ش.
• نوری، حسین؛ مستدرك الوسایل؛ قم، مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
• هاشمی‌خوئی، میرزا حبیب‌الله؛ منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه؛ مصحح: سید ابراهیم میانجی؛ جلد ۲۱، چاپ چهارم، تهران، مکتبة الاسلامیة، ۱۳۵۸ ش.
• یعقوبی، احمدبن‌اسحاق؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت، دارصادر، بی‌تا.
• یوسفی، احمدعلی؛ «سیره‌ی اقتصادی امام علی(ع)»؛ مطالعات تفسیری، سال اول، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۹ ش.

www.SID.ir